



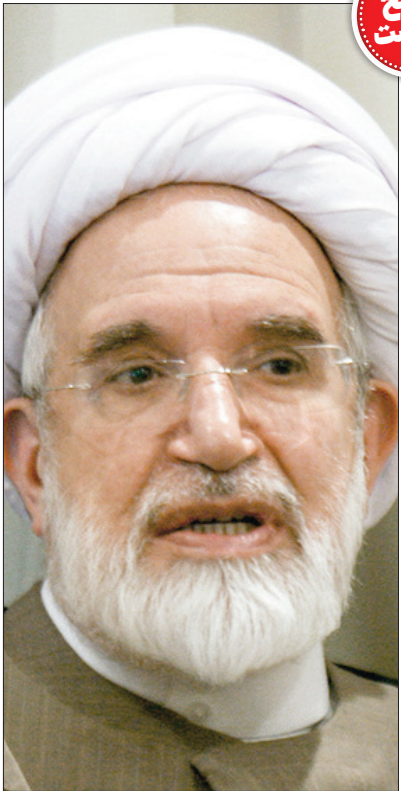
پرونده جای دبش عادی نیست

غلامحسین محسنی اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه روز گذشته در نشست شورایعالی قوه قضائیه گفت: «بعضاً موضوعات و مقولاتی در سطح جامعه مطرح می‌شوند که اذهان مردم را مشغول می‌سازند؛ در اینجا مسئولان ذریب قضایی باید در چارچوب تعیین شده در قانون، برای مردم در خصوص آن موضوعات و مقولات روشن‌گری کنند؛ گاهی در خصوص همان موضوعی که ذهن مردم را مشغول کرده است، هنوز پرونده‌ای تشکیل نشده و هنوز اساساً موضوع به دستگاه قضایی ارجاع نشده است؛ خوب، مسئول قضایی مربوطه، در همین حد به مردم اطلاع‌رسانی کند.» رئیس قوه قضائیه در ادامه افزود: «گاهی حتی وقتی پرونده در مرحله دادسرا است نیز این اجازه را داریم که در چارچوب قانون، برای مردم روشن‌گری کنیم؛ برای نمونه وقتی آن مبحث ۹۲ هزار میلیارد تومان مطرح شد، در شرایطی که هنوز پرونده‌ای آن به قوه قضائیه ارجاع نشده بود، در اذهان این چنین جا افتاده بود که ۹۲ هزار میلیارد تومان فساد یا اختلاس شده است؛ خوب در اینجا وقتی پرونده ارجاع شد و تحقیقات ابتدایی صورت گرفت و یقین حاصل شد که آن مبلغ و عدد مطروحه درست نیست، تا قبل از روشن شدن همه ابعاد پرونده، می‌توانیم بگوییم که‌فی‌الجمله چنین عدد و رقمی که در ذهن مردم جا افتاده، درست نیست. در چنین مواردی، چنانچه تا زمان صدور حکم قطعی صبر کنیم و پس از آن بخواهیم به روشن‌گری در خصوص پرونده بپردازیم، ممکن است زمان زیادی صرف شود و آن اعداد و ارقام غیرواقعی در اذهان مردم تثبیت شود و خدایا ناکرده زمینه‌بدبینی آنان فراهم گردد.»

وی ادامه داد: «در اینجا باید تاکید کنم که علاوه بر اطلاع‌رسانی مرحله به مرحله و روشن‌گری برای مردم پیرامون پرونده‌های مهم که اذهان آنان را درگیر کرده است، موضوع با اهمیت دیگر آن است که به این پرونده‌ها هر چه سریع‌تر رسیدگی شود؛ اغلب این پرونده‌ها در دادگستری تهران، رسیدگی می‌شوند؛ در این رابطه نیاز است که از جهات مختلف به قضات این قبیل پرونده‌ها کمک و یاری شود؛ برای نمونه، پرونده «فولاد مبارکه» که خیلی زمان برده است؛ ممکن است آن چیزی که ذهن مردم رسوب کرده یا حکمی که بعدها در قبال این پرونده صادر می‌شود، بر طرف نشود؛ بنابراین تسریع در رسیدگی‌های متقن به این قبیل پرونده‌ها که اذهان مردم را درگیر کرده‌اند، امری بسیار لازم و واجب است.» وی در ادامه با اشاره به پرونده «چای دبش» گفت: «پرونده جای دبش، پرونده‌ای است که ذهن مردم را مشغول کرده است؛ عدد و رقم مطرح در این پرونده، عدد و رقم بزرگی است و نکته مهم آنکه، در زمان کوتاهی این قضیه رخ داده است؛ بدین معنا که از سال ۹۷ و ۹۸ شروع شده و یک عدد و رقم کم، مرتب زیاد شده است و در طول یک‌سال، عده‌ای این قضیه رخ داده است. خوب باید سریع‌تر در قبال این پرونده در این حد روشن‌گری شود که چه بخشی از آن جرم است، چه بخشی از آن جرم نیست و چه بخشی از آن تخلف است؛ همچنین چنانچه افرادی در دوره‌ها و احیاناً وزارتخانه‌های مختلف در این قضیه دست داشتند، باید موضوع آن، روشن و تبیین شود.»

محسنی اژه‌ای همچنین تصریح کرد: «پرونده‌هایی نظیر پرونده جای دبش را نمی‌توانیم عادی تلقی کنیم و فی‌المثل ۲ سال منتظر بمانیم که تعیین تکلیف نهایی شوند و پس از آن، به روشن‌گری و اطلاع‌رسانی بپردازیم؛ البته در خصوص پرونده مزبور، دادستان و بازپرس مربوطه مستمراً در حال تلاش هستند و قرار نهایی این پرونده در دادسرا نیز اخیراً در مرحله صدور بود که موارد و اسناد جدیدی از جمله مهرهای جعلی منتسب کشف شد که لازم بود در این خصوص از برخی از مقامات داخلی و خارجی و برخی وزارتخانه‌ها تحقیق شود؛ همچنین اسناد دیگری در خصوص این پرونده کشف شد که حاکی از پرداخت رشوه بود؛ در این خصوص نیز باید موضوع روشن شود که در قبال این پرداخت رشوه‌ها چه اقداماتی صورت گرفته است؛ به هر ترتیب همه این موارد زمان‌بر هستند؛ اما می‌توان یک مقداری در بررسی‌ها تسریع کرد و بخش‌هایی از این قضایا را اطلاع‌رسانی کرد؛ در غیر این صورت، چنانچه منتظر صدور حکم نهایی و تعیین تکلیف پرونده پس از اعتراض و بررسی مرجع تجدیدنظر بمانیم، ممکن است دو سال زمان ببرد و آنگاه خدایا ناکرده مردم بدبین می‌شوند.»

رئیس قوه قضائیه در ادامه بیان داشت: «قضاتی که مسئول رسیدگی به پرونده‌های حجیم و مهم هستند نیز باید عنایت داشته‌باشند که امور را اولویت‌بندی کنند و در ابتدا به آن مواردی اولویت دهند که سبب روشن شدن ابعاد مهم پرونده و اتهامات انتسابی می‌شود.»



بزرگان علمیه شورای نگهبان

بازخوانی مواضع و مکاتبات هاشمی رفسنجانی، مهدی کروبی و علی لاریجانی درباره ردصلاحیت‌ها

مهدی کروبی و ممانعت از تولد نظارت استصوابی

سال ۷۰ بود که در پی درخواستی از شورای نگهبان تفسیری صورت گرفت که براساس آن شورای نگهبان نظارت خود را استصوابی اعلام می‌کند و همین هم شروع ابراز نگرانی چهره‌هایی مانند مهدی کروبی به‌عنوان رئیس مجلس وقت می‌شود. او در این باره در خاطراتی که در این زمینه عنوان کرده است و در کتاب نظارت استصوابی آمده است، ابتدا با بیان مواردی از اختلاف شورای نگهبان و وزارت کشور در دهه اول انقلاب و پیش از فوت امام خمینی به بیان نوع نظارت غیراستصوابی براساس قانون اساسی و پذیرش آن از سوی ارکان مختلف حکومت و شخص امام اشاره کرده و پس از آن هم با اشاره به آنچه در میان دوره‌ای مجلس سوم رخ داد؛ به تولد نظارت استصوابی و تلاش خود به‌عنوان رئیس مجلس و تشکل متبوعش (مجمع روحانیون مبارز) در جلوگیری از آن پرداخته است. آنجا که به‌زبان نبوی از جمله کاندیداهای جناح چپ در میان دوره‌ای انتخابات مجلس سوم بود و «فاضل هرنندی از اعضای هیئت اجرایی خبر داد که شورای نگهبان پرونده نبوی را خواسته است» و به گفته او شورای نگهبان برایش برنامه داشت. کروبی در همان اثنا با هاشمی رفسنجانی، رئیس‌جمهور وقت تماس گرفته و موضوع را مطرح کرد و گفت: «این نشانه یک حرکت جدید است، این تنش دارد و مسئله‌ساز است. مبادا که چنین چیزی شود که اگر انجام بشود، اول درگیری و اختلاف است.» پس از آن نامه‌نگاری مجمع با شورای نگهبان آغاز شد و در پی تماس تلفنی کروبی با جنتی و محمدی گیلانی مسئله حل شد. دو سال بعد در سال ۷۰، پیش از انتخابات مجلس چهارم، خبرها از قلع و قمع به گوش می‌رسید و شورای نگهبان در پاسخ به غلامرضا رضوانی، از فقهای شورای نگهبان که به‌عنوان رئیس هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات از سوی این شورا منصوب شده بود، اعلام کرد: «اما نظارت‌مان نظارت استصوابی است.» همین زمان بود که کروبی به همراه خاتمی و سیدمحمد موسوی خوئینی‌ها و امام جمارانی به دیدار رهبری رفتند و این موارد را مطرح کردند. در نقل قول کروبی آمده است: «ما حرف‌هایمان را زدید و جلسه‌ای شد و ایشان هم خیلی عنایت کردند. لطف فرمودند گفتند: «اگر بنای حذف باشد من وارد می‌شوم. نمی‌گذاریم که خلاف قانون اتفاق بیفتد، این جور چیزی نیست که شما می‌گویید.» اسفند ۷۰ شد و حذف‌ها اتفاق افتاد. او می‌گوید: «اقدام کردیم، ملاقات کردیم، تلاش کردیم، اما تلاش به جایی نرسید.» کروبی بعدها در سال ۸۱ هم در پی ردصلاحیت گسترده پیش از انتخابات مجلس هفتم، اعتراضات خود را به این تصمیم شورای نگهبان اعلام کرد و در بیانیه‌ای مشترک به همراه سیدمحمد خاتمی، رئیس‌جمهور وقت و مجمع روحانیون مبارز خطاب به احمد جنتی، دبیر شورای نگهبان نسبت به ردصلاحیت‌های گسترده کاندیداهای اصلاح‌طلب، انتصاب به‌جای انتخاب و تخلف در شمارش آراء در انتخابات مجلس هفتم اعتراض کرد. همان زمان که نمایندگان مجلس تحصن کرده بودند و دولت هم در واکنش به این موضوع به این ناپدیدگی حقوق شهروندی اعتراضات بسیار کرد تا جایی که شایعاتی مبنی بر تغییر زمان برگزاری انتخابات و تعلیق آن هم به میان آمد اما نتیجه‌ای در بر نداشت.

اکبر هاشمی رفسنجانی، ناکام در مقابله با نظارت استصوابی

اکبر هاشمی رفسنجانی، در سال ۶۸ که به مرور موضوع نظارت استصوابی شورای نگهبان مطرح و جای خود را در روند انتخابات تثبیت کرد، رئیس‌جمهور وقت بود. او در توضیحی که در کتاب روزنوشت‌های سال ۷۱ خود نوشته است از شیعی در سال ۷۱ یاد می‌کند که عبدالله نوری (وزیر کشور وقت) به دیدارش می‌آید؛ ساعت‌های پایانی روز سوم نوروز که عبدالله نوری، وزیر کشور فرستنی از ردصلاحیت‌های افراد را پیش روی او قرار می‌دهد و هاشمی تغییر «یک بی‌عدالتی در صحنه سیاسی کشور» را برای آن به کار می‌برد، به نوری اعتراض می‌کند که وزارت کشور مسئول هیئت‌های اجرایی است اما پاسخ نوری این است که «قدرت و فشار شورای نگهبان، مانع مراعات عدالت و قانون در تشکیل هیئت‌های اجرایی شده و توازن قانونی به دست نیامده است.» او در ادامه با اشاره به تلاش‌های چهره‌هایی مانند سیداحمد خمینی برای ممانعت از این نوع نظارت و بررسی صلاحیت‌ها، تصریح کرده است: «موردی حل شد و بیشتر موارد حل نشده ماند که به صورت استخوانی در زخم، هنوز هم ادامه دارد.» او از تلاش کروبی در این زمینه و دیدارش با رهبری گفته و چنین آورده است: «من هم مطالب ایشان و سایر افراد را به رهبری منتقل کردم، اما ایشان آمادگی کمک بیشتر را نداشتند... کار که شروع شد، عملاً

نظر شورای نگهبان در پذیرش و یا ردصلاحیت‌ها، در دسرهای زیادی برای من به بار آورد.» هاشمی رفسنجانی علاوه بر این دوران، بعدها هم به موضوع نظارت استصوابی اعتراض داشت: آن هم نه زمانی که خودش در جایگاه ثبت‌نام‌کننده در انتخابات ریاست جمهوری ۹۲ با تبیع ردصلاحیت شورای نگهبان روبرو شد بلکه آن زمان که خبر ردصلاحیت حسن خمینی، نوه امام خمینی در انتخابات مجلس خبرگان سال ۹۴ منتشر شد، دست به اعتراض تنندی زد و در مراسمی که به مناسبت فرارسیدن دهه فجر و ورود امام به کشور در ترمینال شماره یک فرودگاه مهرآباد برگزار شد، گفت: «صلاحیت شخصی که ائمه‌به‌جداش امام خمینی است را قبول نمی‌کنند؛ شما صلاحیت خود را از کجا آورده‌اید؟ چه کسی به شما اجازه داده است که قضاوت کنید؟ چه کسی به شما تریبون داد؟ صداوسیما برای شما باشد؛ اگر امام و نهضت و اراده عمومی مردم نبود هیچ کدام از این‌ها نیز نبودند. هدیه بدی به بیت امام و در زمانی که همه باید به هم تبریک بگویم به این بیت دادید.» البته اگر چه او هم به‌عنوان یکی از نزدیکان بنیانگذار انقلاب بر این موضوع نقد داشت اما تلاش او هم می‌فشر ماند و تغییری در رویه شورای نگهبان رخ نداد.

علی لاریجانی و گسترش دامنه غیر خودی‌ها

اگر در دهه ۷۰ بودیم هیچ وقت باور نمی‌کردیم که روزی قرار است چهره‌ای مانند علی لاریجانی پشت‌سد شورای نگهبان بماند؛ کسی که در آن سال‌ها از جمله چهره‌های برجسته جناح راست بود و حداقل در سال‌های دولت اصلاحات از جمله چهره‌های نزدیک به هسته سخت قدرت به شمار می‌رفت و اگر در جایگاه یک اصلاح‌طلب به او نگاه می‌کردیم تصور اینکه او هم روزی در کنار این جریان متنفذ عملکرد شورای نگهبان می‌شود، به ذهن‌مان هم خطور نمی‌کرد اما این اتفاق در انتخابات سال ۱۴۰۰ افتاد و خبر از ردصلاحیت علی لاریجانی منتشر شد. اگر چه همان زمان رهبری در سخنانی به انتقاد به ردصلاحیت‌ها پرداخته و گفتند: «شورای نگهبان و مردم در شبکه‌های اجتماعی به بعضی نامزدها ظلم و جفا کرده‌اند و همچنین به آنها یا خانواده‌شان که خانواده‌های محترم، غنی و عزیز بودند، نسبت‌های خلاف واقع داده شده است... خواهش‌های این است و مطالبه‌های دستگاه‌های مسئول این است که جبران کنند.» اما این سخنان تغییری در وضعیت لاریجانی در آن انتخابات نداشت؛ صادق‌آملی لاریجانی، برادر او هم در پی این اتفاق از شورای نگهبان استعفا داد و او در مقام دفاع از خود و نقد عملکرد شورای نگهبان دست به نامه‌نگاری و مطالبه بر سر انتشار علنی دلایل عدم احراز صلاحیتش زد. نامه‌نگاری او در نهایت با انتشار تصاویری از نامه ردصلاحیتش در فضای مجازی در ۲۷ آذر همان سال موجب واکنش گسترده شد و ذبیح‌الله خداییان، سخنگوی قوه قضائیه، در مورد انتشار این نامه مجرمانه عنوان کرد: «افشای اسناد طبقه‌بندی شده جرم محسوب می‌شود.» وی ادامه داد: «اگر ثابت شود نامه از ناحیه ایشان منتشر شده، قابل تعقیب است و باید از سوی دستگاه‌های اطلاعاتی و ضابطان این موضوع بررسی شود.» با توجه به اینکه دلایل ردصلاحیت او اذعان‌کننده، نه برای خودش و نه افکار عمومی بود؛ کم‌کم لاریجانی نیز به حاشیه رفت و به نوعی از دایره خودی‌ها فاصله گرفت و با وجود اینکه سال گذشته خبری بر احتمال حضور او ولیستی از سوی او در انتخابات مجلس به میان آمد، در تکذیب‌های اعلام کرد: «اختصاصی خبرگزاری وسیع تسنیم درباره ارائه لیست در انتخابات تصدق این گزاره است: «حسن و حسین هر سه خواهران مغاوبه‌اند، نه بحثی درباره حرکت انتخاباتی در میان است و نه ارائه لیست سراسری و نه رأی‌زنی با دیگران صورت پذیرفته. لذا بدین وسیله از جریان خاص‌سازی رفع نگرانی می‌شود و بعید است به این روش برادران بتوان رقابت تصنی ایجاد کرد. ملک را چاره‌ای دیگر نیاز است.» به لطف عملکرد شورای نگهبان، حالا شاهد بسته‌تر شدن محدوده انبساطی هستیم که مورد پذیرش برای رسیدن به همان محدود جایگاه‌های انتخابی هستند؛ اگر در گذشته نام افرادی چون ابراهیم یزدی، از اعضای نهضت آزادی را به‌عنوان چهره‌های ردصلاحیت‌شده می‌شنیدیم و تصورمان این بود که سکان در دست جناح راست است؛ این سال‌ها شاهد آن هستیم که لاریجانی‌ها و روحانی‌ها را از قطار جمهوری اسلامی پیاده می‌کنند. البته شاید اگر همین چهره‌ها آن زمان که بقیه از دور خارج می‌شدند به درستی استنادی کرده بودند، امروز این حجم از اخراج‌ها اتفاق نمی‌افتاد و البته امیدواریم شرایط به سمتی برود که آنها که قدرت دارند، پیش از آنکه وضعیت بدتر شود مانع از ادامه این رویه شوند؛ شاید جمهوری‌ت نظام هم از آسیب بیشتر در امان بماند.



سمیه متقی

دبیر گروه سیاسی

ردصلاحیت حسن روحانی در انتخابات مجلس خبرگان در ۴ بهمن‌ماه سال گذشته از جمله اخباری بود که تا همین روزگفته بحث‌ها حول محور دلایل آن باقی بود و در نهایت پس از نامه‌نگاری چندباره روحانی در راستای درخواست برای اعلام عمومی دلایل ردصلاحیتش از سوی شورای نگهبان و اظهارنظرهای اغلب شفاف‌های اعضای شورای نگهبان نسبت به این درخواست، نامه‌ای از سوی روحانی در بیان این دلایل، پاسخگویی به آن و هشدار و انذار نسبت به آینده جمهوری‌ت نظام با دست‌فرمان این نهاد منتشر شد. نامه اخیر روحانی در پی آن نگاشته شد که چندی پیش هادی طحان‌نظیف، در جایگاه سخنگوی شورای نگهبان در نشست خبری ۱۶ اردیبهشت با اصحاب رسانه درباره سخنان پیشین روحانی درباره دلایل ردصلاحیتش چنین واکنش نشان داده بود: «بررسی صلاحیت خبرگان رهبری با فقهایی شورای نگهبان است و تاکید عزیزان نیز همیشه بر اجرای قانون بوده است؛ این حرف‌ها تازگی ندارد. ظاهراً برخی وقتی تایید می‌شوند سطح درک شورای نگهبان بالاست و وقتی رد می‌شوند حرف دیگری دارند.» طحان‌نظیف در پاسخ به پرسشی درباره دلایل ردصلاحیت حسن روحانی تاکید کرد: «موردی که به‌صورت مکتوب به ایشان اعلام شده موارد متعددی است؛ محدود به چند موردی که ایشان مطرح کردند نیست؛ البته همین چند مورد نیز به صوت دقیق مطرح نشده است.» ردصلاحیت روحانی با توجه به اینکه تا همین دوره گذشته انتخابات‌ها جزء خودی‌های حاکمیت بود و از گیت شورای نگهبان به آسانی رد می‌شد؛ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. البته هشدار او به از بین رفتن «جمهوریت نظام» از زاویه جریان‌های سیاسی مختلف که حالا جمع کثیری از جامعه سیاسی کشور را شکل می‌دهند اما همسو با جریان غالب در نهاد‌های تصمیم‌گیر نیستند و پیش از این با تبیع نیز نظارت استصوابی از گردونه رقابت خارج شدند؛ بیشتر این گونه قابل تغییر است که «تمه جمهوری‌ت» در معرض تضعیف است؛ وگرنه بسیاری از چهره‌های سیاسی اثرگذار در تاریخ جمهوری اسلامی بوده‌اند که در پس تفسیر جدید شورای نگهبان از نوع نظارتش و تغییر آن از شبه‌استطلاحی به استصوابی، به‌دنبال بازنگری قانون اساسی به این آسیب‌پیش‌رو پرداخته‌اند و به آن هشدار دادند. از جمله اکثریت جریانی که امروزه با نام اصلاح‌طلب می‌شناسیم، در کنار اعضای تشکل‌هایی مانند جبهه‌ملی و نهضت آزادی و برخی تشکل‌ها و چهره‌های شناخته‌شده میانه‌رو و اصولگرا از میرحسین موسوی و سیدمحمد خاتمی و مهدی کروبی تا اکبر هاشمی رفسنجانی، علی‌اکبر ناطق‌نوری، علی لاریجانی و افراد امکان‌آبراد سوگند به کتب آسمانی ادیان الهی را واکنش نشان داده است. در ادامه نگاهی به مکاتبات و مواضع برخی از این چهره‌ها در پی نظارت استصوابی شورای نگهبان و بسته شدن روزافزون دایره افرادی که توان عبور از سد این نهاد را داشته‌اند، خواهیم داشت. اولین تلاش شورای نگهبان برای تحدید و تعیین حدود کاندیداها به نیمه نخست سال ۶۰ برمی‌گردد که احسان طبری، محمدعلی عمویی و نورالدین کیانوری از جمله چهره‌های عضو حزب توده حاضر در رقابت میان دوره‌ای انتخابات مجلس بودند که در پی تقاضای شورای نگهبان با استناد به اینکه این افراد امکان‌آبراد سوگند به کتب آسمانی ادیان الهی را ندارند، از این دور رقابت حذف می‌شوند. حال ۴۵ سال از آن دوره گذشته است و بحث تحدید دایره کاندیداها با استناد به سخنان افراد در جایگاه نقد از قوه قضائیه و شورای نگهبان رسیده است. به هر حال نگرانی از همان زمان نسبت به آینده جمهوری‌ت نظام آغاز شد و حالا دایره خودی‌ها روزبه‌روز تنگ‌تر شده و ورود به گردونه رقابت سخت‌تر؛ اتفاقی که اولین اثرش ناامیدی مردم در تعیین سرنوشت‌شان و اثر ثانویه‌اش می‌تواند سست شدن پایه‌های حکومت در پی از دست دادن پایگاه اجتماعی اش باشد. در این بین دایره هشداردهندگان به این موضوع روزبه‌روز بازر شده و چهره‌هایی که اگر در همه این سال‌ها به‌ویژه سال ۶۸ چندین مقاومتی درباره تغییر و تحولات در نقش شورای نگهبان نداشته‌اند؛ حالا به جمع منتقدان و معترضان به این رویه پیوسته‌اند.